

# Soltanabad during the World War I: Social and Economic Consequences

Abdolah Motevali<sup>1</sup> | Mohaammad Hassanbeigi<sup>2</sup> | Mehdi Jiryaei<sup>3</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

## Abstract:

**Purpose:** Soltanabad (present name: Arak), located in the heart of mid-western of Iran is which in the past called Eragh-e Ajam (=Iraq of Persia). Soon after the beginning of WWI Soltanabad became a cross-road of foreign forces. This article reports the impact of the presence of these forces in the region and its consequences for Soltanabad.

**Method and Research Design:** Archival documents and library resources were consulted to collect data for analysis.

**Findings and Conclusion:** Presence of foreign forces disrupted normal life of the region. The demand for local agricultural products, insecurity of roads, and drought led to food shortage and sharp rise in prices, resulted in with wide-spread famine. Also, cities like Tehran, Qom and Isfahan which imported agricultural products from the region also came under pressure.

**Keywords:** World War I; Soltanabad; Business; Insecurity; Iran.

**Citation:** Motevali, A., Hassanbeigi, M., Jiryaei, M. (2020). Arak during the World War I: Social and Economic Consequences. *Ganjine-ye Asnad*, 30(4), 34-55.

doi: 10.22034/ganj.2020.2607

1. Associate Professor, Department of History, Arak University, Arak, I. R. Iran

a.motevaly@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of History, Arak University, Arak, I. R. Iran.

mohaamad.beigi@gmail.com

3. Ph.D. Lecturer, Erhangian of Arak University, Arak, I. R. Iran, (Corresponding Author)

jiryaeim@gmail.com

Copyright © 2021, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«120»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.22034/GANJ.2020.2607

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 4, Winter 2021 | pp: 55- 34 (22) | Received: 8, Jan. 2019 | Accepted: 23, Jul. 2019

Historical research



# تأثیر جنگ جهانی اول بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی سلطان آباد

عبدالله متولی<sup>۱</sup> | محمد حسن بیگی<sup>۲</sup> | مهدی جیریائی<sup>۳</sup>



فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

## چکیده:

**هدف:** اوضاع اقتصادی و اجتماعی منطقه سلطان آباد در عراق عجم به دلیل قرارگرفتن در مسیر غرب به شرق و جنوب به شمال کشور حضور نیروهای بیگانه و رفتارشان را تجربه کرد، ابعاد اقتصادی و اجتماعی ناگوار این جنگ را هم از سر گذراند.

**روش/ رویکرد پژوهش:** پژوهش حاضر با اتکا بر اطلاعات اسناد، کتاب‌ها و نشریات و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** حضور نیروهای بیگانه انتظام منطقه را بر هم زد. تأمین آذوقه نیروهای بیگانه از تولیدات محلی، نامن شدن راه‌های ارتباطی، و خشکسالی مواد غذایی را کمیاب، و بهای آن را شدید افزایش داد. کاهش تولید محصولات کشاورزی در سلطان آباد شهرهایی مانند تهران، قم، و اصفهان را هم که بخشی از نیازهای غذایی خود را از این منطقه تأمین می‌کردند دچار مشکلات فراوان کرد.

**کلیدواژه‌ها:** جنگ جهانی اول؛ سلطان آباد؛ تجارت؛ نامنی؛ ایران.

**استناد:** متولی، عبدالله، حسن بیگی، محمد، جیریائی، مهدی. (۱۳۹۹). تأثیر جنگ جهانی اول بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی سلطان آباد. *گنجینه اسناد*، ۳۰(۴)، ۳۴-۵۵. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj/۱۰.۲۲۰۳۴.۲۰۲۰.۲۶۰۷

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اراک، اراک، ایران

a.motevaly@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک، اراک، ایران.

mohaamad.beigi@gmail.com

۳. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی و

مدرس دانشگاه فرهنگیان اراک، اراک، ایران،

(نویسنده مسؤل)

jiryaim@gmail.com



## گنجینه اسناد

«۱۲۰»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰.۲۶۰۷

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۹ | صص: ۵۵ - ۳۴ (۲۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م از اروپا آغاز شد و به سرعت عمده کشورهای جهان را در خود فروبرد. ایران نیز خیلی زود درگیر مسائل جنگ شد؛ البته تا پیش از این نیز کشور ثبات چندانی نداشت. تحولات پس از انقلاب مشروطیت و دخالت‌های پردامنه روس و انگلیس در امور داخلی ایران بر ناآرامی‌ها دامن می‌زد. کارگزاران حکومتی نیز توانمندی لازم را برای برقراری آرامش نداشتند. از طرف دیگر ذخایر محدود مالی نیز تنگناهای جدی‌ای را برای کارگزاران فراهم می‌کرد. احمدشاه نیز به دلیل نرسیدن به سن قانونی و نداشتن تجربه لازم توان تأثیرگذاری مناسب بر این وضعیت را نداشت. در چنین وضعیتی جنگ آغاز شد و قدرت‌های اصلی درگیر در جنگ ایران را بخشی از محدوده مطالبات خود تلقی کردند. روس‌ها قبل از این بخش‌های وسیعی از مناطق شمالی کشور را در اشغال خود داشتند. انگلیسی‌ها هم مبتنی بر قرارداد ۱۹۰۷م کل مناطق جنوبی را جزء قلمرو خود می‌دانستند. بلافاصله با شروع جنگ هر دو طرف به بهانه این‌که آلمان و عثمانی قصد دارند ایران را تصرف کنند بر تعداد نیروها و گستره حضور خود افزودند (مابری، ۱۳۶۹، ص ۱۰۱). مداخله آلمان در امور ایران وضعیت را آشفته‌تر کرد. گرایش جدی کارگزاران حکومتی و مردم ایران به سوی آلمان باعث شد تا نیروهای روسی با هدف تصرف پایتخت به حرکت درآیند و نیروهای موسوم به ملیون را تعقیب کنند. حرکت روس‌ها از مناطق شمالی به سمت قزوین، ساوه، قم، سلطان‌آباد و همدان همراه با جنگ و درگیری بود و به شدت آشفتنگی کشور و گسیختگی سیاسی را در پی داشت. منطقه سلطان‌آباد نیز همانند سایر نقاط، در معرض تهاجم مستقیم نیروهای روسیه قرار گرفت و شاخه‌ای از نیروهای تحت امر ژنرال باراتف روسی سلطان‌آباد را اشغال کردند (مابری، ۱۳۶۹، ص ۱۸۷). تعدادی از مردم منطقه در جهت تقابل با روس‌ها به نیروهای ملی ملحق شدند و به زدوخورد با نیروهای روسی پرداختند (مابری، ۱۳۶۹، ص ۲۷۶). در پی بروز این درگیری‌ها آسیب‌های جدی اقتصادی و اجتماعی به ساکنان منطقه وارد شد. نیروهای مهاجم بسیاری از ذخایر غذایی مردم را غارت کردند. علاوه بر این حضور آن‌ها بر نامنی‌ها دامن زد و باعث شد تا یاغیان و راهزنان نیز در تکمیل کار مهاجمان اندوخته‌های مردم را تاراج کنند. تلاش مردم برای کمک گرفتن از حکومت مرکزی نیز عملاً بی‌فایده بود و تبعات این جنگ‌ها در ابعاد مختلف بر زندگی ساکنان منطقه تأثیر گذاشت. این نوشتار با اتکا بر اسناد و کتب موجود در پی آن است تا گوشه‌ای از وضعیت نابه‌سامان مردم سلطان‌آباد در جنگ جهانی اول را بررسی کند.



## ۲. پیشینه تحقیق

در زمینه تاریخ سلطان آباد مطالعات اندکی وجود دارد و درباره مقطع بررسی شده در این نوشتار نمی‌توان مقاله‌ای انحصاری ذکر کرد. در اندک منابع موجود در زمینه تاریخ سلطان آباد هم به تأثیر جنگ جهانی اول بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی این منطقه چندان توجه نشده و تنها اشاراتی گذرا به این موضوع شده است. از جمله این تحقیقات عبارت‌اند از:

الف) «تاریخ اجتماعی اراک» نوشته مرتضی ذبیحی در چهار جلد. نویسنده در این اثر موضوعات گوناگون تاریخ اراک را جمع‌آوری کرده است و با بهره‌گیری از روش‌های کتاب‌خانه‌ای و میدانی و پرسش از افراد مطلع و آگاه این اطلاعات را ثبت کرده است. او اوضاع سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی اراک از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی را بررسی کرده است و در آن به تأثیر جنگ جهانی اول بر فضای سیاسی و اقتصادی سلطان آباد اشاره کرده است.

ب) «تاریخ عراق» اثر دیگری است که میرزا محسن خان مستعان‌الدوله یا همان رضا وکیلی طباطبایی تبریزی تألیف کرده است. او در دوره مشروطه، نماینده آذربایجان در مجلس دوم شورای ملی بود و در سال ۱۳۳۴ق ۱۹۱۶م پیشکار وزارت مالیه در سلطان آباد عراق شد. وکیلی در مدت حضور خود در آنجا، درباره اوضاع عمومی و اجتماعی سلطان آباد عراق تحقیقات ارزشمندی انجام داد و آن‌ها را چاپ کرد. این کتاب دارای چهار باب است و هر باب شامل چندین فصل است. دکتر منوچهر ستوده در سال ۱۳۴۵ش متن چاپ‌شده تاریخ عراق را بدون ویرایش و بازخوانی و یادداشت‌های توضیحی و تنها با هدف حفظ این اثر ارزشمند عیناً در شماره ۱۴ مجله فرهنگ ایران زمین چاپ و منتشر کرده است. مجدداً این اثر در سال ۱۳۹۵ش با کوشش محمد مددی و همکاری دکتر شروین وکیلی نوه نویسنده همراه با بازخوانی، ویرایش ادبی و تاریخی به‌انضمام یادداشت‌ها، واژه‌نامه، نمایه، اسناد و عکس‌ها تدوین شد و انتشارات آیندگان آن را منتشر کرد. در این کتاب نیز در جاهای مختلف به وضعیت سلطان آباد در تحولات دوره مدنظر پرداخته شده است.

ج) «تاریخ اراک»: اثر ابراهیم دهگان. این کتاب در سه جلد به ترتیب در سال‌های ۱۳۲۹، ۱۳۳۰ و ۱۳۴۵ش تدوین و چاپ شده است. جلد نخست این مجموعه تاریخ این شهر را از دوره باستان تا آغاز دوره صفوی دربر می‌گیرد. جلد دوم دربرگیرنده وقایع این ولایت از آغاز دوره صفوی تا سفر ناصرالدین شاه به این سرزمین است. در این جلد، چگونگی ساخت شهر و قلعه سلطان آباد و اهداف آن، به‌خوبی تبیین شده است. جلد سوم در راستای تکمیل مباحث دو جلد پیشین، با عنوان «کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ

اراک» درباره تاریخ انجدان، سادات اسماعیلیه و سال‌شمار وقایع شهرستان اراک از ۱۲۷۱-۱۳۴۵ش گردآوری و در سال ۱۳۴۵ش منتشر شد. دهگان نیز برای شناساندن وضعیت سیاسی و اجتماعی این شهر در دوره جنگ جهانی اول تلاش‌های ارزشمندی داشته‌است. (د) «سیمای اراک: جامعه‌شناسی شهری»: تألیف محمدرضا محتاط. هدف نویسنده از نگارش این کتاب، گردآوری آمار و اطلاعات فرهنگی و اجتماعی این دیار است که برای برنامه‌ریزان شهری بسیار سودمند است. گفتنی است که نگاه مؤلف در این اثر به موضوعات جامعه‌شناسی شهری است و موضوعاتی چون: علل مهاجرت، اوضاع فرهنگی، بهداشت و درمان و مسائل اجتماعی را واکاوی کرده و کمتر به مسائل تاریخی توجه کرده‌است.

ه) مقاله «بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان‌آباد عراق (۱۳۲۴ تا ۱۳۶۰ق/۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱م)» تألیف مهدی جبرائی، حسین مفتخری، و محمد سلیمانی مهرانجانی. این مقاله بررسی نسبتاً دقیقی از وضعیت تجاری سلطان‌آباد در دوره معاصر ارائه داده‌است. در این مقاله به تأثیر جنگ جهانی اول در وضعیت تجاری سلطان‌آباد و رکود پس از آن اشاراتی کوتاه می‌شود.

هیچ‌یک از تحقیقات نامبرده روی مسائل جنگ جهانی اول و تأثیرات آن بر شرایط اقتصادی و اجتماعی ناحیه سلطان‌آباد تمرکز نداشته‌اند؛ از این رو می‌توان گفت که رویکرد پژوهش حاضر تا حدودی نو و متفاوت از گفتارهای پیشین است؛ به‌ویژه این که بخش زیادی از اطلاعات مقاله حاضر بر اسناد رسمی متکی است که بخشی از این اسناد از نگاه پژوهش‌گران پیش گفته مغفول مانده‌است.

### ۳. وقوع جنگ جهانی اول و نقض بی‌طرفی ایران

جنگ جهانی اول به سال ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م در حالی آغاز شد که ایران گرفتار مشکلات عدیده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود. پیش از آغاز جنگ، روس و انگلیس در ایران حضوری جدی داشتند (میروشنیکف، ۱۳۵۷، ص ۲۷)؛ ولی دامنه فعالیت آن‌ها زمانی افزون‌تر شد که آلمان‌ها برای ضربه‌زدن به منافع این دو قدرت متوجه ایران شدند و مردم نیز به دلیل آن که نظر خوبی به دو قدرت مذکور نداشتند، بعضاً به حمایت از سیاست آلمان برخاستند. در پی این وضعیت دو قدرت پیش گفته بر تعداد نفرات خود در ایران افزودند. از سوی دیگر عثمانی‌ها نیز بخشی از مناطق شمال غرب ایران را اشغال کردند (روزنامه عصر جدید، شماره ۱۹ (۱۳۳۴)، ص ۳). ورود فراگیر نیروهای بیگانه به ایران در حالی انجام شد که دولت مستوفی‌الممالک بی‌طرفی ایران را اعلام کرده بود. ولی اعلام این سیاست



هیچ تأثیری در عملکرد مهاجمان نداشت و بیشتر مناطق کشور عرصه حضور و زدو خورد عناصر متخاصم شد. در روزنامه جنگل در این زمینه آمده است: «ایران متأسفانه جولانگاه قشون متحارب شده؛ یعنی یک کلکسیون تمام از قشون‌های دولت‌هایی که مشغول جنگ هستند در وطن ما خودنمایی می‌کنند. مگر قشون ایران در تمام این پهن دشت پنج هزار نفر بیشتر دارد؟!» (روزنامه جنگل، شماره ۳ (۱۳۳۶)، ص ۱). پیامد این وضعیت را در فروپاشی ساختار سیاسی ایران می‌توان مشاهده کرد. تغییر مکرر کابینه‌های حکومتی تاحدزیادی نتیجه همین موضوع بود. دولت‌هایی که به‌کار مشغول می‌شدند به‌دلیل ناتوانی در کنترل اوضاع نهایتاً بیش از چند ماه نمی‌پاییدند و جای خود را به دیگری می‌سپردند. به‌همین علت یکی از روزنامه‌های همان زمان نوشت: «با این وضعیت بحرانی دنیا، ایران به کابینه‌بازی مشغول است. هر هفته و هر ماه کابینه‌ها عوض می‌شوند. از آمدورفت فلان‌الدوله‌ها ملت ایران بیچاره شده است» (روزنامه خاور، شماره ۳۵ (۱۳۳۴)، ص ۲). در کنار فراگیر شدن نابه‌سامانی سیاسی، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی نیز دامن‌گیر کشور شد. بسیاری از منابع غذایی مردم در اختیار نیروهای بیگانه قرار می‌گرفت و یا توسط آن‌ها غارت می‌شد (روزنامه خاور، شماره ۳ (۱۳۳۸)، ص ۱). در سایه ناامنی ناشی از فروپاشی نظم، بسیاری از یایغان و راهزنان نیز اموال و داشته‌های مردم را غارت می‌کردند؛ بروز خشک‌سالی نیز بر این شرایط ناامیدکننده افزوده شد و باعث از دست رفتن جان‌های بسیاری شد.

سلطان‌آباد در مناطق مرزی قرار نداشت و قاعدتاً نباید به‌صورت مستقیم شرایط ناشی از جنگ را تجربه می‌کرد؛ ولی این منطقه به‌دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش در پیوند با مناطق غربی-شرقی و جنوبی-شمالی کشور به‌صورت مستقیم در معرض تبعات جنگ قرار گرفت و روند حوادث به‌گونه‌ای رقم خورد که روسیه نیروهای نظامی خود را به‌سوی این منطقه گسیل کرد (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۳۳۴). شکل‌گیری کمیته ملیون در هنگامه جنگ و عزیمت آن‌ها از تهران به‌سوی مناطق غربی با تعقیب و گریز سپاهیان روس همراه شد و سبب شد تا بخشی از عناصر ملی از مسیر سلطان‌آباد به‌سوی همدان حرکت کنند و روس‌ها نیز برای تعقیب آن‌ها خاک سلطان‌آباد را درنوردند (اسناد جنگ اول جهانی در ایران، ۱۳۷۰، ص ۹۷؛ سپهر، ۱۳۶۲، صص ۲۸۶ و ۳۰۱). گزارش منابع نشان می‌دهد که در این منطقه زدوخوردهای جدی بین دو طرف شکل گرفت و تعدادی از ساکنان منطقه نیز همراه ملیون به رویارویی با روس‌ها پرداختند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۰۲). احسان‌الله‌خان دوستدار که در این زمان همراه ملیون علیه روس‌ها می‌جنگیده است در خاطرات خود می‌نویسد: «ما در منطقه سلطان‌آباد ماندیم؛ بخشی از واحدهای ما با نیروهای بیچاره‌خوف به زدو خورد می‌پرداختند.» او در قسمت دیگری به همکاری روستاییان اشاره می‌کند که

چگونه مواضع روس‌ها را به آن‌ها اطلاع می‌دادند؛ ولی با وجود همه این تدابیر، نظامیان روس با اتکا بر توپ‌خانه توانستند مجاهدین را وادار کنند به سمت ملایر عقب‌نشینی کنند (متولی، ۱۳۸۶، ص ۳۸). در هر صورت حضور مستقیم روس‌ها علاوه بر اینکه به بی‌ثباتی و ناامنی دامن زد، بر شدت قحطی و بحران اجتماعی مردم منطقه نیز افزود.

#### ۴. بروز ناامنی ناشی از جنگ در سلطان‌آباد

هم‌زمان با بروز جنگ و ناتوانی حکومت مرکزی در برقراری آرامش، نقاط مختلف کشور ناامن شد؛ به‌همین علت در اکثر مناطق کشور زعمای محلی، خوانین و نیروهای ایلی و عشیره‌ای در پی دفاع از موقعیت خود برآمدند (لمبتون، ۱۳۳۹، ص ۲۳۵). به‌عبارتی عشایر و حکام ولایات مختلف خواه‌ناخواه اعلامیه بی‌طرفی صادر شده توسط مستوفی‌الممالک (رئیس‌الوزرا) را نادیده گرفتند (مختاری، ۱۳۲۶، ص ۱۵۰). حتی برخی حکام از فرمان‌های حکومت مرکزی پیروی نمی‌کردند؛ از آن جمله با وجود اعلام بی‌طرفی حکومت مرکزی احتشام‌السلطنه حاکم سلطان‌آباد عراق به‌نوعی از اقدامات روس و انگلیس حمایت کرد (ساکما، ۲۹۰/۱۴۰۵)؛ به‌همین دلیل بی‌نظمی و نافرمانی سراسر منطقه را فراگرفت. اسناد موجود نشان می‌دهد که حتی در آستانه وقوع جنگ نیز به دلیل نبود نظارت و امنیت، زندگی و اموال مردم در معرض تهدید قرار گرفته بود. در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م در آستانه آغاز جنگ جهانی اول آفاکریم تاجر تبریزی مقیم سلطان‌آباد در تلگرافی به وزارت داخله اطلاع می‌دهد که سارقان هفتادوپنج تخته قالی او را در سرپل و سرآباد سرقت کرده‌اند. برحسب این تلگراف وزارت داخله به معاون حکومت عراق برای بازپس‌گیری اموال نامبرده دستور می‌دهد؛ ولی آفاکریم از ناکارآمدی و بی‌توجهی حکام محلی در این باره به دادگاه شکایت می‌کند (ساکما، ۲۹۶/۱۸۶۲۷). گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که با شروع جنگ بر دامنه بحران‌ها افزوده شد و راهزنی و غارتگری به‌اوج خود رسید و جان و مال هیچ‌کس در امان نبود (ساکما، ۲۱۰/۱۰۸۴). با وجود آنکه کشورهای بیگانه در ایجاد این وضعیت نقش اصلی را داشتند، ولی اموال تجارت‌خانه‌های آن‌ها نیز متأثر از این وضعیت در معرض هجوم طرف‌های مقابل و یا اشرار قرار می‌گرفت (ساکما، ۲۹۰/۲۴۲۶). در این زمینه سفارت انگلیس در تلگرافی به وزارت داخله خبر داد: «راجع به توقیف نیلی که از کمپانی سرقت شده، با حضور میرزاطراسی‌خان نماینده قونسول‌گری عراق و بعضی از تجار که مقداری نیل‌ها را خریده‌اند مشغول تحقیق و استرداد نیل‌های مسروقه و غرامت آن‌ها است» (ساکما، ۲۹۰/۲۴۲۶). تداوم این ناامنی‌ها و غارتگری‌ها باعث شد تا مردم برای رهایی از این اوضاع، مکرر از حکومت مرکزی حاکمی مقتدر تقاضا کنند تا شاید اندکی



آرامش را به منطقه بازگرداند؛ ولی دامنه التهاب و آشفته‌گی کشور به قدری گسترده بود که هیچ تدبیری چاره‌ساز نبود (ساکما، ۲۴۰/۱۰۸۴).

## ۵. خودسری و اجحاف عناصر و وابستگان روس و عثمانی در منطقه

اشغال بخش عمده‌ای از خاک ایران توسط بیگانگان باعث شد تا در کنار حضور عناصر نظامی در نقاط مختلف کشور و آسیب‌هایی که از این طریق متوجه مردم بود، بسیاری از عوامل وابسته به قدرت‌های اشغالگر نیز به اشکال مختلف شرایط را برای مردم سخت‌تر کنند. منطقه سلطان‌آباد نیز به شدت از این اوضاع متأثر بود؛ شکایت‌های مکرر مردم به مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء حاکی از بحران بود (ساکما، ۲۱۰/۱۰۸۴).

بر پایه اسناد موجود، تاجران عثمانی که در این دوران در بازار سلطان‌آباد در کار تجارت فرش بودند و تحت حمایت عناصر سیاسی و نظامی خود قرار داشتند به اهالی محل اجحاف می‌کردند. حتی خانه‌های استیجاری‌ای را که در اختیار داشتند تخلیه نمی‌کردند و کرایه نیز نمی‌پرداختند (کمام، ۳/۱۹۸/۲۹/۸).

جمعی از مکاریان عراقی با عرض حال شکایت‌آمیزی به مجلس اظهار می‌کنند که پنجاه رأس قاطر آن‌ها را که در حمل زوار بوده‌است، در ورود به خانقین مأمورین حکومتی و سرکرده عساکر دولت عثمانی به بغداد برده و برای حمل قورخانه ضبط و نگاه داشته‌اند (کمام، ۳/۱۹۸/۲۹/۷).

حاج حیدر خوانساری و میرزا محمود خوانساری از تجار ساکن عراق در عریضه‌ای به وکلای مجلس شورای ملی اظهار تظلم می‌کنند؛ مبنی بر اینکه «آقای سید آقای سردار عراقی در سال روس‌بازی [تهاجم روس به ایران] معادل بیست‌وشش خروار جو چاکران را برده و از پرداخت وجه استنکاف دارد و برای احقاق حق خود به تهران آمده‌ایم» (کمام، ۴/۴۳/۲۲/۳). میرزایحیی خان مستوفی در اثر خرابی آبادی‌ها در تهاجم قشون روس و عثمانی و ناتوانی در پرداخت مالیات طی نامه‌ای به مجلس شورای ملی این‌گونه تظلم‌خواهی می‌کند: «قلیل املاکی در عراق دارد [که] به واسطه غارت‌های الوار و تهاجم اردوهای روس و عثمانی و قحط و غلا و ناخوشی و گاو‌مردگی، رعایای آن‌ها متفرق و قنوت [آن‌ها] مطموس<sup>۱</sup> و به کلی منهدم شده‌اند» (کمام، ۴/۴۳/۲۲/۱۵). در سند دیگر به تاریخ ۵ اسد (مردادماه) ۱۳۰۱ ش میرزا ابراهیم خان مباشر املاک ده ناصرالدوله از تعدیات حاج‌علی‌آقای ترک به مجلس شورای ملی شکایت می‌کند. او در این شکوائیه می‌گوید: «سابقه اعمال وی از زمان ورود اردوی روس و عثمانی و اتلاف نفوس به دست این آدم از صفحه شراه عراق، برای تمام ادارات دولتی و اهالی عراق روشن است که محتاج به

۱. ناپدید





تکرار نیست. مخصوصاً این اوقات که طرفِ مهر حکومت واقع شده، از هیچ‌گونه تعدیات خودداری ندارد و دو ماه قبل یک قسمت از اراضی دیزآباد را عُنفاً تصاحب نموده. رعایا برای دادخواهی به حکومت عارض شدند؛ حاجی علی‌آقا به تهدید و اشتباه‌کاری حکومت را وادار نموده رعایا را چوبِ زیادی زده، رعایا مأیوسانه به محل خود رفتند. رفته‌رفته بر تجری او افزوده [شد و] دو روز قبل احمدآقانام و چند نفر از کسان او خودسرانه یک نفر از رعایای بی‌چاره ناصرالدوله را برده از خنداب شراه چوب زیاد زده داغ و شکنجه نموده گوش او را به درب عمارت کوبیده‌اند. حکومت امر به رفتن او داد [ولی] به دفع وقت و سهل‌انگاری می‌گذرانند. ناچار ملتجی به آن ذات مقدس شده استدعای عاجزانه می‌نماید به فوریت امر به احقاق حق فرمایند که در مملکت مشروطه قانونی این‌گونه عملیات متروک [شود] و اشرار و مرتکب، به مجازات اعمال شنیعه خود برسند» (کمام، ۱۳۹۵/۲۲/۴). هم‌چنین در عرض حال بیوک‌آقا کارمند پست‌خانه به مجلس شورای ملی درباب سرقت امانت پستی (یک بسته قران) به مبلغ دو پست و پنجاه تومان توسط روس‌ها ذکر می‌شود که در برج حوت (اسفندماه) ۱۲۹۵ اداره پست‌خانه، امانت را به تهران ارسال کرده‌است و غرامت درخواست می‌کند (کمام، ۱۳۹۵/۲۲/۴).

## ۶. تأثیر ناامنی‌ها و کمبود ارزاق در سلطان‌آباد بر دیگر مناطق

ولایت عراق باتوجه به موقعیت جغرافیایی و قرارگرفتن در کناره کوه‌های زاگرس به‌لحاظ آب‌وهوا و میزان بارندگی از همسایگان نواحی شرقی‌اش از جمله قم، اصفهان و تهران وضعیت بهتری داشت و دارای زمین‌های حاصلخیز برای کشت غلات دیم، به‌ویژه گندم بود؛ به‌نحوی که همه‌ساله مقدار زیادی از گندم موردنیاز ولایات همجوار از این ایالت تأمین می‌شد. در اثبات این مدعا می‌توان به نوشته تاریخ عراق استناد کرد که «همه‌ساله برحسب اقتضا چند هزار خروار گندم از عراق با دادن کرایه روانه انبار ذخیره تهران می‌شود. نان عراق در سفیدی و مرغوبیت مشهور است و در این تاریخ هر من، چهار عباسی قیمت دارد. نان سفید تازه بعضی دهات به‌حدی لذیذ و خوش‌طعم و مأكول است که محتاج قاتق و خورش دیگر نیست، به‌خصوص نان «مهاجران» و «ورقا» که هر دو در محال کَرَزَا هستند» (وکیلی طباطبائی تبریزی، ۱۳۹۵، ص ۹۰). به‌علت فراوانی محصول گندم در ولایت عراق به سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م، یکی از تجار تهران به‌علت کمیابی گندم در مرکز کنترات فروش غله ولایت عراق را به ریاست اداره خزانهداری کل ایران پیشنهاد می‌دهد و بیان می‌کند: «بنده برای اینکه خدمتی به دولت کرده باشد، چهار هزار خروار غله عراق را از قرار خرواری ده تومان کنترات می‌نماید که به‌مرور تا اواخر آذرماه در تهران تحویل نمایم

۱. ملتجی/moltaji/پناهنده؛ پناه‌جوینده



و رضایت خاطر آن اداره را ازهرحیث فراهم کنم» (ساکما، ۱۳۸۷/۲۴۰). از فحوای این سند روشن می‌شود در ولایت عراق گندم مازاد به‌قیمت خرواری ده تومان به‌قدری وجود داشته‌است که تجار گندم با اطمینان خاطر از فراهم‌کردن این کالای استراتژیک با اداره‌کل خزانهداری ایران وارد مذاکره شوند؛ ولی این وضعیت خوب و فراوانی جنس از جمله گندم و جو با کشیده‌شدن دامنه جنگ جهانی اول به ایران و پیشروی قوای متخاصم به داخل از جمله اشغال ولایت عراق به‌ویژه شهر سلطان‌آباد از میان رفت و قیمت نان و ارزاق افزایش یافت. گزارش‌ها نشان می‌دهد که بیشترین غارتگری درزمینه منابع تغذیه سلطان‌آباد را روس‌ها انجام داده‌اند. براساس تلگراف موجود باراتف فرمانده سپاه روسیه در غرب کشور، حاکم عراق (اراک) را فراخوانده‌است تا مقدار زیادی جو برای نیروهای روسیه به منطقه همدان بفرستد و حاکم وقت نیز به وزارت داخله گزارش داده‌است که به‌سختی دویست قاطر و شتر را جمع‌آوری کرده و با آن‌ها هفتادوپنج خروار جو برای روس‌ها ارسال کرده‌است (اسناد جنگ اول جهانی در ایران، ۱۳۷۰، ص ۹۷).

کمبود مواد غذایی و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها از جمله‌ها از جمله نان، مردم را به‌سمت گرسنگی، فقر، بیماری و سرانجام مرگ سوق داد. پیامدهای ناشی از جنگ در سایر نقاط ایران و از آن جمله پایتخت وضعیت بغرنجی را رقم زده بود. عین‌السلطنه وضعیت تهران آن زمان را این‌گونه توصیف می‌کند: «اوضاع نان و سایر ارزاق و امتعه در تمام ممالک ایران ناگوار است و دور نیست [که] اسباب مشکلات و زحمت زیاد [شود و] بالاخره منجر به بلوا و شورش گردد. در رودبار، میرهادی خرواری پنجاه و دو تومان نقدی گندم می‌فروشد. شهر قزوین گندم چهل الی چهل‌وپنج تومان است، جو سی الی سی‌وپنج تومان، برنج رسمی الموت و رودبار شصت تومان، منات هفت شاهی الی دو عباسی [است]، امتعه خارجه درنهایت گرانی روزبه‌روز هم بالاتر می‌رود» (سالور، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۹۲۵). ولی دولت و ثوق‌الدوله تمهیداتی برای حل بحران اندیشید و «ارباب کیخسرو شاهرخ» نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی را مسئول خرید گندم از سایر ولایات برای پایتخت قرار داد. کیخسرو در کتاب خاطرات خود درباره قیمت گندم می‌نویسد: «بهای گندم که در آغاز سال در تهران خرواری سی‌وپنج تومان و در عراق خرواری بیست تومان بود، حالا در تهران به خرواری نود تومان رسیده‌است. احمدخان آذری رئیس بازرسان وزارت مالیه در سلطان‌آباد، یک‌هزار خروار گندم به‌قیمت خرواری سی تومان به من فروخت» (کیخسرو، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷). بحران قحطی در دیگر مناطق ایران نیز کمتر از تهران نبود؛ چنان‌که ارباب کیخسرو در گزارش خود درباره خرید گندم عراق برای حمل به تهران ذکر می‌کند: «ده خروار گندم محمول از عراق را که نماینده مشارالیه خریداری و برای مرکز فرستاده بود،

در قم اهالی جلوگیری می‌کنند و به مصرف خبازخانه آنجا رسانیده‌اند. نظر به عسرت آذوقه در آنجا مقرر شد که قیمت گندم را مطالبه نمایند؛ ولی لازم است به ملاحظه فقدان جنس در تهران و عسرت فوق‌العاده که اولیاء مزبور را به‌خود مشغول نموده‌است، تلگراف مؤکد به حکومت قم صادر فرمائید که از این‌گونه اقدامات اهالی جلوگیری نموده [تا] به‌هیچ‌وجه متعرض جنسی که برای مرکز حمل می‌نمایند نشوند» (ساکما، ۹۸۹۵/۲۴۰).

همان‌گونه که اشاره شد بخشی از نیاز مردم قم به گندم از منطقه سلطان‌آباد تأمین می‌شد و کمبود محصول در سلطان‌آباد باعث گرسنگی و قحطی در قم شد. براساس گزارش یکی از اسناد از سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م، آشفتگی و اضطراب مردم قم در سال‌های جنگ به‌علت واردنشدن گندم از دیگر مناطق به‌ویژه سلطان‌آباد عراق به‌حدی بوده‌است که مردم به‌ویژه «فقرا و اشخاص بی‌بضاعت از عهده خرید نان برنمی‌آیند و روزها در قصاب‌خانه که قصابان مشغول ذبح می‌شوند، خون گوسفند را با ظرف و کاسه برده می‌جوشانند و می‌خورند و روزی دو یا سه نفر تلف می‌شوند» (ساکما، ۱۰۵۱۲/۲۴۰).

بر همین اساس انتقال محصول از سلطان‌آباد به تهران از این طریق دشوار شده بود. تداوم این وضعیت دامنه بحران را در تهران افزون ساخته بود. قهرمان‌میرزا سالور در روزنامه خاطرات عین‌السلطنه نوشته‌است: «حکایت نان در تهران و سایر ولایات درد بی‌درمانی شده‌است.» و «در شهر خروار رسمی [گندم] شصت تومان شده. من مقداری حمل کردم، قاطرهای خودم هم برد؛ اما خرج قاطر بیش از قیمت کرایه معمولی شد. سیب‌زمینی از شهر آورده بود یک من هفت قران، سابق خرواری پنج تومان الی هفت و ده تومان بود؛ همه چیز بالا رفته و روزبه‌روز بالا [تر] می‌رود. گندم پنجاه و پنج تومان است، جو چهل تومان. اولین مصیبت ایران حکایت گرسنگی امسال [۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م] و بیم قحطی سال دیگرست که ترمیم‌پذیر نیست و به ید قدرت دیگری است که ده‌دوازده سال است عطف نظر از ما کرده. در همدان گندم خرواری به یک‌صد تومان رسیده‌است، جو نود تومان، برنج هیچ نیست و از قرار تلگرافات نصف اهالی تلف می‌شوند» (سالور، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۹۳۱).

حاکم سلطان‌آباد در سال ۱۳۳۸ق/۱۹۲۰م برای تعدیل وضعیت روانی جامعه و کاهش اضطراب مردم به‌علت گرانی نان که در اثر اشغال منطقه توسط قوای بیگانه و فرصت‌طلبی اشرار و یاغیان محلی ایجاد شده بود و باتوجه‌به اظهار اکثر تجار گندم، از حمل این کالا به اصفهان ممانعت می‌کند که این موضوع با واکنش حکومت اصفهان روبه‌رو می‌شود و حاکم اصفهان به مرکز یادآوری می‌کند که باتوجه‌به این‌که همه‌روزه مقدار زیادی گندم از اصفهان به یزد و کرمان حمل می‌شود، با اقدام حکومت عراق، اصفهان در مضیقه قرار

خواهد گرفت؛ لذا اوامر فوری صادر فرمائید که به هیچ وجه مانع حمل گندم به اصفهان نشوند (ساکما، ۲۹۱/۱۱۲۱).

## ۷. عملکرد تجار منطقه و تأثیر بحران بر تجارت سلطان آباد

سال بحران و کمبود غله (۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش) یکی از سالهای پرمشقت بود. اصلی ترین عامل به حضور نیروهای بیگانه و بروز خشک سالی سالهای ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م تا ۱۳۳۷ق/۱۹۱۹م مربوط می شد. در واقع خشک سالی و کمبود بارش برای زمین های دیم عامل اصلی قحطی بود و سایر عوامل زمینه ای آن را تقویت و تشدید کرد. دهگان در ذیل وقایع سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م آورده است: «یکی دو سال بود که جنگ بین الملل به کشور ما هم کشیده شده، حالت جنگ و لشکرکشی های دو قطب متخاصم و از همه بدتر خشک سالی دست به هم داده حالت التهایی در مردم پدیدار گردید» (دهگان، ۱۳۳۰، ج ۳، ص ۲۲۲).

عین السلطنه در روزنامه خاطرات در این باره می نویسد: «هوا مثل سنه گذشته [۱۳۳۵ق/۱۹۱۶م] خشکی می کند و اگر خدای نخواست امتداد پیدا کند، سال دیگر قحطی می شود. غلات روز به روز بالا می رود» (سالور، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۹۱۹). او در جای دیگر می آورد: «هوا هیچ بارندگی نمی کند، زمین خشک مثل کبریت است. آنچه کاشته شده تشنه است، آنچه دیم زار است بلاذرع مانده و قصد مردم این است [که] اگر بارندگی نکنند، تخم را حرام نکرده ابداً دیم زار کشت نکنند» (سالور، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۹۲۸). تحت تأثیر این وضعیت گروه های کثیری از گرسنگی خانه های خود را رها کردند و به شهرها هجوم آوردند. در سلطان آباد نیز وضع بر همین منوال بود. ورود تعدادی از مردم اطراف به شهر به بحران گرسنگی دامن زد و قیمت مواد غذایی به ویژه گندم را افزایش داد. در این میان عده ای از تجار و فروشندگان گندم به احتکار محصول دست زدند و شرایط زندگی را بر مردم دشوارتر کردند. نویسنده تاریخ اراک از این رفتار این گونه پرده برمی دارد: «عده ای به نوا رسیدند و دسته ای به اطراف حلیم پارو می زدند. تلفات انسانی از ابتدای زمستان تا آخر خرداد ۱۳۳۶ق، یک سوم جمعیت بود و مردم به دفن و کفن<sup>۱</sup> [کفن و دفن] اموات نمی رسیدند» (دهگان، ۱۳۳۰، ج ۳، صص ۲۲۳-۲۲۴). گزارش های تاریخی نشان می دهند که در این آشفته بازار البته کسانی هم وجود داشتند که با کارهای خیر خواهانه در صدد التیام درد گرسنگی مردم بودند. از آن جمله می توان به تقدیرنامه ای اشاره کرد که با امضای حاکم سلطان آباد یعنی امیر جنگ و تعدادی از علما به حاجی میرزا محمد علی خان از تجار سرشناس تقدیم شده و از اقدامات او در کمک به مردم بینوا تقدیر شده است (محتاط،

۱. در اصل سند دفن و کفن آمده است.



۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۵۷).

دامنه بحران ناشی از جنگ به سال‌های بعد نیز کشیده شد. گزارش‌های موجود حاکی از کمبود و گرانی گندم و نان و تلفات مردم در این سال‌هاست (مجد، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵). با کنکاش در این بحران و تبعات آن مشخص می‌شود که در سال‌های بعد هم با وجود سپری شدن دوره خشک‌سالی و جنگ، و استقرار حکومت پهلوی، ولی هم‌چنان تبعات بحران مذکور در اقتصاد و معیشت مردم به‌ویژه در گرانی ارزاق عمومی باقی ماند. علاوه‌براین بروز بحران در دوران جنگ و تداوم آن در سال‌های بعد به‌شدت به تجارت منطقه خسارت وارد کرد. بخش مهمی از امور تجاری منطقه به تجارت فرش متکی بود و بسیاری از شرکت‌های خارجی در سلطان‌آباد نمایندگی داشتند. این شرکت‌ها به‌دلیل وضعیت پیش‌آمده یا کار خود را متوقف کردند و یا آن‌که به حداقل ممکن رساندند. البته شرایط ملتهب جهانی و بروز بحران‌های کلان اقتصادی در جهان نیز این وضعیت را تشدید کرد؛ به‌گونه‌ای که برخی از کمپانی‌های تجارت فرش که سال‌ها در کار تولید و صادرات فرش فعال بودند راه خروج از منطقه سلطان‌آباد را در پیش گرفتند (زندی حقیقی، ۱۳۴۸، ج ۱، صص ۲۰۴-۲۰۸) و تا نیمه حکومت پهلوی اول همه این شرکت‌ها از منطقه خارج شدند. این وضعیت زمینه را برای فروش دفترخانه‌های تجاری در فاصله سال‌های بین جنگ اول و دوم جهانی محقق کرد. از آن جمله ساختمان یکی از این شرکت‌ها را یکی از متمولان شهر به نام «حاج محمدحسین میثمی وکیل» خرید که از آن‌پس به نام قلعه حاج وکیل شهرت یافت. به‌دنبال آن در سال ۱۳۵۲ق/۱۹۳۳م نماینده کمپانی «تاو سهند جیان نیویورک» پیشنهاد داد که حاضر است عمارت این کمپانی را که فوق‌العاده زیبا بود و با تحمیل مخارج گزاف ساخته شده بود، به هر قیمتی که باشد به دولت شاهنشاهی ایران بفروشد (ساکما، ۲۴۰/۵۷۴۸).

## ۸. اقدام برای کنترل بازار ارزاق

در پی تحولات به‌وجودآمده حکومت به‌دنبال کنترل بازار و جلوگیری از نوسانات بود؛ از این‌رو نهادهای حکومتی با محتکران و گران‌فروشان برخورد می‌کردند. ازجمله این نهادها بلدیّه‌ها بودند که به پاس وجود نظام مشروطیت با فرازوفرودهایی در شهرهای ایران رسمیت پیدا کردند و با فراهم شدن زمینه فعالیت انجمن‌های شهری به‌ویژه انجمن بلدیّه، تا استقرار حکومت پهلوی در اکثر شهرهای مهم ایران دایر شدند و وظیفه احتساب و تنظیم شهر را برعهده گرفتند.



در سلطان آباد عراق نیز طبق تلگراف موجود درخواست تأسیس بلدیّه در تاریخ ۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م، به رئیس مجلس شورای ملی «صنیع الدوله» به این مضمون ارسال می‌شود: «تمام علماء، تجّار و اهالی عراق در تلگراف‌خانه مبارکه عراق مجتمع شده مستدعی هستند که مجلس بلدیّه عراق را برقرار نموده که تمامی اهالی آسوده باشیم» (کمام، ۱۷۸/۵۲۴۳). یکی از وظایف مهم بلدیّه نظارت و تنظیم قیمت اجناس عمومی و ارزاق مورد تقاضای مردم بود. براین اساس بلدیّه امکان مداخله در بازار را پیدا می‌کرد و در تعیین نرخ اجناس و ارزاق مصرفی جامعه برای عامل‌های فروش تکلیف تعیین می‌کرد و در بیشتر موارد این حضور با استقبال مردم، کسبه و اصناف بازار روبه‌رو می‌شد. بلدیّه در زمینه چگونگی عرضه و تقاضای کالاهای اساسی بازار فعال شد و در نتیجه در وضعیت معیشت مردم تغییراتی ایجاد شد. از همه مهم‌تر براساس ماده ۷۰ قانون بلدیّه مصوب سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م یکی از وظایف بلدیّه «تعیین و تعدیل نرخ گوشت و نان و سایر ارزاق» بود (مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸، ص ۹۳). بلدیّه هم‌چنین به نگرانی مردم در مقابله با گرانی و گران‌فروشی کسبه پرداخت که در بررسی عرایض مردم به مجلس شورای ملی در دوره‌های مختلف این رنج و مرارت مردم مشهود است. اغلب نامه‌ها مبنی بر کمبود مواد غذایی، گران‌فروشی و مالیات‌های متعدد و حتی شکایت کسبه و تجّار مبنی بر زیادبودن نرخ اجاره دکان‌ها و اماکن تجاری بازار از طرف ملاکان است. اسناد موجود بر این موضوع صحه می‌گذارد؛ از جمله این موارد در سال ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م است که جمعی از تجّار عراق به همراه میرزا شمس‌الدین مجتهد نماینده عراق در مجلس شورای ملی به وزارت مالیه شکایت می‌کنند که حاجی سیدابراهیم چند سال است بعضی از دکانین خالصه سلطان‌آباد را که سال‌ها محل کسب و معاش آن‌ها بوده تدریجاً مالک شده‌است و در این مدت با مستأجران با مدارا رفتار می‌کرده، ولی دو سال است که بنای ستمی را گذاشته‌است اجاره هر باب دکان را که چهل تومان بوده به هشتاد تومان رسانده و بلکه یک‌صد تومان رسانده‌است و ما از تحمیل این پرداخت ناتوانیم (ساکما، ۲۴۰/۴۷۰۶۷). با آغاز جنگ تلاش برای کنترل قیمت‌ها با وجود نهادی نظارتی بی‌ثمر بود. برای درک وضعیت زندگی مردم در منطقه سلطان‌آباد هم‌زمان با جنگ، جدول‌های پیوست تاحدودی تغییر نرخ اجناس را در فاصله چندساله جنگ نشان می‌دهد. تحلیل و بررسی نرخ ارزاق و اجناس در سه جدول زیر بیانگر آن است که قیمت‌های ماه شوال سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م نسبت به همان ماه در سال قبل میانگین حدود ۲۰ درصد افزایش دارد؛ ولی در سال بعد یعنی شوال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م قیمت‌ها در برخی از ارزاق و اجناس که بیشتر مورد تقاضای عموم مردم بوده‌است افزایش ۱۰۰ درصدی و بعضاً در

برخی از اقلام مثل (غلات) رشد ۳۰۰ درصدی داشته است. علاوه بر وضعیت بحرانی کشور سوءاستفاده بسیاری از عمده فروشان و یا خرده فروشان نیز بیشتر بر این وضعیت دامن می زد. تداوم این وضعیت در سال های پس از جنگ باعث شد تا مردم هم چنان بر خواسته خود در ایجاد کانونی نظارتی اصرار داشته باشند. از آن جمله در سال ۱۳۴۱ق/۱۹۲۳م به مجلس شورای ملی اعلام می کنند: «با وجود پرداخت همه نوع مالیات به دولت، ولی از لذا یقین مشروطیت هم چنان بی بهره می باشیم و در مضیقه تهیه گوشت برای خانواده و بیماران خود هستیم و معابر و کوچه های شهر به جهت عدم تشکیل بلدیة قانونی، مملو از کتافات شده است» (کمام، ۴/۱۶۶/۲۲/۴۵).

این تلاش ها در نهایت به ثمر نشست و اداره بلدیة سلطان آباد در همان سال دایر شد. تعیین و تعدیل نرخ ارزاق و حفظ تعادل آن در بازار و اعلام آن به عموم مردم یکی از مهم ترین وظایف بلدیة و انجمن آن بود. بلدیة نرخ انواع محصولات لبنی، خشکبار، غله، قندوچای، کبریت، اجناس، زغال و سایر اقلام مورد استفاده مردم را مشخص می کرد و فروشندگان موظف بودند نرخ ها را اجرا کنند و در صورت تخلف جریمه می شدند. نرخ نامه ها به صورت مکتوب در سطح شهر پخش و در معبرها و مغازه ها نصب می شدند و یا برای اطلاع عموم در جراید محلی چاپ می شدند.

## جدول

نوع کالا	سال	وزن	قیمت
قند	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	یک من شاه (۶ کیلو)	۲ تومان
نفت	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	۱۰ پیت	۵ قران و ۳ عباسی
کبریت کشتی نشان	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	یک صندوق	۶۲/۵ قران
کبریت متفرقه	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	یک صندوق	۶ تومان
برنج رشتی وسط	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	یک خروار (۳۰۰ کیلو)	۴۱ تومان
گندم فراهان	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	یک خروار	۶ تومان
گندم متفرقه پاک	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	یک خروار	۵۵ قران
شیره تریاک	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	-----	۳۶ تومان
نخوداعلا	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	یک خروار	۱۴ تومان
نخوددیم	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	یک خروار	۱۱ تومان
چای قلمی	۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م	یک من شاه (۶ کیلو)	۱۶ تومان

### جدول ۱

نرخ ارزاق و اجناس بازار سلطان آباد عراق در شوال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م (محتاط، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۶۲).



نوع کالا	سال	وزن	قیمت
قند	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک مَن شاه (۶ کیلو)	۲۷ قران
نفت	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	۱۰ پیت	۶ قران
کبریت کشتی نشان	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک صندوق	_____
کبریت متفرقه	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک صندوق	_____
برنج رشتی وسط	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک خروار	_____
برنج حصیری اعلا	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک خروار	۶۰ تومان
برنج سفید تهران	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک خروار	_____
گندم فراهان	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک خروار	۸ تومان
گندم متفرقه پاک	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک خروار	۵۵ قران
قالیچه	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک جفت	۱۴ تومان و ۲ ریال
نخود اعلا	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	۹۰ مَن	۱۵۵ قران
نخود دیم	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک خروار	_____
چای قلمی وسط	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک مَن شاه (۶ کیلو)	۶۵ ریال
شکر	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	هر مَن شاه	۱۷ ریال
شیره انگور	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	۹۹ مَن و ۱۰ سیر	۲۴۰ قران
روغن خوراک	۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م	یک مَن شاه	۳۲ ریال

## جدول ۲

نرخ ارزاق و اجناس بازار سلطان آباد عراق  
در شوال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م (دهگان، ۱۳۳۰،  
ج ۳، ص ۲۴۴).

نوع کالا	سال	وزن	قیمت	توضیحات
قند	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک مَن شاه (۶ کیلو)	انگلیسی ۵۴ ریال	روسی ۶۳ ریال
نفت	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	۱۰ پیت	روسی ۱۲ ریال	
کبریت کشتی نشان	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک صندوق	۱۷ تومان	
کبریت متفرقه	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک صندوق	_____	
برنج رشتی وسط	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک خروار	۷۵ تومان	
برنج حصیری اعلا	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک خروار	۸۰ تومان	
برنج سفید تهران	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک خروار	۶۸ تومان	
گندم فراهان	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک خروار	۲۳ تومان	
گندم متفرقه پاک	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک خروار	_____	
شیره تریاک	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	_____	_____	
نخود اعلا	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	۹۰ مَن	_____	
نخود دیم	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک خروار	۳۲ تومان	
چای قلمی وسط	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک مَن شاه (۶ کیلو)	_____	
شکر	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک مَن شاه	۳۷/۵ ریال	
شیره انگور	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	۹۹ مَن و ۱۰ سیر	_____	
روغن خوراک بومی	۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م	یک مَن شاه	۴۷ ریال	

## جدول ۳

نرخ ارزاق و اجناس بازار سلطان آباد عراق  
در شوال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م (دهگان، ۱۳۳۰،  
ج ۳، ص ۲۴۴).

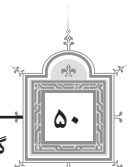




طبق جدول‌های بالا قیمت برخی از اجناس در ابتدای جنگ و نرخ تورم آن‌ها در خلال جنگ این‌گونه تحلیل می‌شود. در سال آغاز جنگ جهانی (۱۳۳۳ق تا ۱۳۳۴ق / ۱۹۱۵م تا ۱۹۱۶م) که هنوز اثرات جنگ به‌طور کامل متوجه ناحیه سلطان‌آباد نشده‌است، تعدادی از اجناس تورم ۳۰ درصدی را تجربه می‌کنند. مثلاً قند از منی ۲ تومان به ۲ تومان و ۷ ریال و برنج از خرواری ۵۸ تومان به ۶۰ تومان می‌رسد، گندم فراهان نیز از خرواری ۶ تومان به ۸ تومان می‌رسد؛ ولی در دو سال پایانی جنگ وقتی که نواحی مرکزی ایران بیشتر درگیر جنگ می‌شود، تورم سرسام‌آور است و قند از منی ۲ تومان و ۷ ریال به ۵ تومان و ۴ ریال و گندم فراهان از خرواری ۸ تومان به ۲۳ تومان می‌رسد؛ یعنی قند تورم ۱۰۰ درصدی و گندم تورم ۲۰۰ درصدی را تجربه می‌کند.

## ۹. نتیجه

جنگ جهانی اول تأثیرات مهمی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی ناحیه سلطان‌آباد بر جا گذاشت. هرچند پیش‌از شروع جنگ نیز به‌دلیل سیاست‌های مداخله‌جویانه روس و انگلیس و حضور مستقیم نیروهای آن‌ها در ایران این منطقه به‌شدت دچار ناامنی و پریشانی بود، ولی با آغاز جنگ این دو قدرت به‌بهانه حضور عناصر عثمانی و آلمان در ایران بر تعداد سپاهیان خود در کشور و از جمله در منطقه مذکور افزودند و دخالت‌های مستقیم خود را بیشتر کردند. هرچند دولت مرکزی ایران برای فاصله‌گرفتن از پیامدهای جنگ بی‌طرفی اعلام کرد، ولی هیچ‌کدام از طرف‌های درگیر به این بی‌طرفی توجه نکردند. عثمانی‌ها مناطق شمال غرب کشور را اشغال کردند و روس‌ها به‌بهانه مقابله با آن‌ها تعداد بیشتری از نظامیان خود را به‌سوی ایران فرستادند. افزایش تعداد نظامیان بیگانه در کشور و ناتوانی دولت مرکزی در برقراری امنیت وضعیت کشور را به‌شدت بحرانی کرد. از لحاظ سیاسی ایران به مرحله فروپاشی رسید و کابینه‌های متعدد یکی پس از دیگری به‌دلیل ناکارآمدی در مدیریت اوضاع از کار کناره‌گیری می‌کردند. از لحاظ اقتصادی وضعیت کشور به‌اضطرار رسید. نیروهای بیگانه بخش عمده آذوقه موجود را مصادره و غارت کردند. یاغیان و سرکشان داخلی نیز از این بی‌سامانی بهره بردند و تقریباً تمامی راه‌های کشور را ناامن کردند و هرآنچه می‌یافتند به تاراج می‌بردند. خشک‌سالی نیز مزید بر علت شد تا قحطی و گرسنگی به‌صورت فراگیر و به‌شکلی مشهود در کشور خودنمایی کند. پیامد اجتماعی این وضعیت گرسنگی و مرگ میلیون‌ها انسان در سطح کشور بود. منطقه سلطان‌آباد عراق در معرض تمام بلیه‌های نامبرده قرار داشت. همان‌گونه که در متن بررسی شد، این ناحیه از لحاظ سیاسی و نظامی به‌صورت مستقیم در معرض تهاجم



روس‌ها قرار گرفت. نظامیان روس در تعقیب نیروهای ملیون روانه غرب کشور شده بودند و مسیر عبور بخشی از آن‌ها از منطقه سلطان‌آباد بود؛ به‌همین دلیل برای مدتی زدوخورد با نیروهای روسی در این منطقه جریان داشت و تعدادی از عناصر ملی سلطان‌آباد برای مقابله با روس‌ها به ملیون پیوستند؛ ولی حضور قشون بیگانه به بی‌ثباتی داخلی دامن زد. گزارش اسناد نشان می‌دهد تعدادی از اشرار منطقه از این آشفته‌بازار نهایت سوءاستفاده را بردند و با ایجاد ناامنی و راهزنی اوضاع جامعه را دشوارتر کردند. ارسال تلگراف‌های متعدد مردم و درخواست کمک برای کنترل اوضاع هم چندان ثمربخش نبود. یکی از نکات بارز در این مقطع تأمین غله مناطق همجوار، از سلطان‌آباد بود؛ حتی مقداری از غله پایتخت نیز از این منطقه حاصل می‌شد. با بروز جنگ و خشک‌سالی شرایط از انتظام افتاد؛ زیرا مقداری از تولید غله این منطقه که عملاً در منطقه مصرف می‌شد و مقداری هم که به‌سوی تهران فرستاده می‌شد به دلیل قحطی در قم تاراج می‌شد. متن اسناد نشان داد که حکام پایتخت‌نشین بارها با ارسال پیام و فرستادن افراد مختلف کوشیدند تا بخشی از مایحتاج پایتخت‌نشینان را تأمین کنند، ولی به نتیجه‌ای نرسیدند. اسناد گویای این واقعیت است که در این مقطع ساکنان خود سلطان‌آباد هم گرفتار قحطی، گرسنگی و افزایش بی‌رویه قیمت مواد غذایی بوده‌اند. جدول‌های مربوط به مواد غذایی در همان مقطع افزایش سیصددرصدی برخی از محصولات را نشان می‌دهد. کوشش‌های مردم برای آنکه از طریق ایجاد بلدیة قیمت‌ها را کنترل کنند تا بعد از پایان جنگ بی‌نتیجه بود. به‌این ترتیب باید اذعان کرد که منطقه سلطان‌آباد به‌شدت از تبعات جنگ جهانی اول آسیب دید و از جمله تجارت فرش آن که تا قبل از جنگ به‌توسط کمپانی‌های خارجی انجام می‌شد و زیانزد شده بود عملاً از رونق افتاد و هرگز به روزهای اوج خود بازنگشت.

## منبع

### اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره‌سند: ۲۱۰/۱۰۸۴؛ ۲۱۰/۱۰۸۴؛ ۲۴۰/۱۰۸۴؛ ۲۴۰/۳۸۷۱؛ ۲۴۰/۵۷۴۸؛ ۲۴۰/۹۸۹۵؛ ۲۴۰/۱۰۵۱۲؛ ۲۴۰/۴۷۰۶۷؛ ۲۹۰/۱۴۰۵؛ ۲۹۰/۲۴۲۶؛ ۲۹۱/۱۱۲۱؛ ۲۹۶/۱۸۶۲۷.  
کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره‌سند: ۳/۱۹۸/۲۹/۸؛ ۳/۱۹۸/۲۹/۷؛ ۴/۴۳/۲۲/۳؛ ۴/۴۳/۲۲/۱۵؛ ۴/۴۳/۲۲/۶۶؛ ۴/۴۴/۲۲/۸۹؛ ۴/۴۴/۲۲/۴۵؛ ۴/۱۶۶/۲۲/۴۵؛ ۱۷۸/۵۲۴۳.



## کتاب

- اسناد جنگ اول جهانی در ایران. (۱۳۷۰). (بهروز قطبی، کوشش گر). تهران: انتشارات وزارت ارشاد.
- دولت آبادی، یحیی. (۱۳۷۱). *حیات یحیی*. (ج ۳). تهران: عطار.
- دهگان، ابراهیم. (۱۳۳۰). *تاریخ اراک*. (ج ۳). اراک: فرهنگ شهرستان اراک.
- زندى حقیقی، منوچهر. (۱۳۴۸). *نظریه‌های اقتصادی در قرن بیستم*. (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سالور، قهرمان میرزا. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. (ج ۷). (مسعود سالور و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: اساطیر.
- سپهر، احمدعلی. (۱۳۶۲). *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸*. تهران: ادیب.
- کیخسرو، ارباب. (۱۳۸۲). *کتاب خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ* (شاهرخ شاهرخ و راشنا رایتر، کوشش گران؛ غلام‌حسین میرزاصالح، مترجم). تهران: نشر مازیار.
- لمبتون، آن کاترین سواين فورد. (۱۳۳۹). *مالک و زارع در ایران*. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مابریلی، فردریک جیمز. (۱۳۶۹). *عملیات در ایران*. (کاوه بیات، مترجم). تهران: نشر رسا.
- مجد، محمدقلی. (۱۳۸۷). *فحطی بزرگ ۱۲۹۶-۱۲۹۸ ش/۱۹۱۷-۱۹۱۹ م*. (محمد کریمی، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی «مذاکرات مجلس شورای ملی»، (۱۳۲۹ق)، دوره دوم. تهران: مجلس شورای ملی، اداره قوانین و مطبوعات.
- محتاط، محمدرضا. (۱۳۷۲). *سیمای اراک*. (ج ۴). اراک: مؤلف.
- مختاری، حبیب‌الله. (۱۳۲۶). *تاریخ بیداری ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- میروشنیکف، لی‌یف ایوانوویچ. (۱۳۵۷). *ایران در جنگ جهانی اول*. (علی دخانیاتی، مترجم). تهران: فرزانه.
- وکیلی طباطبائی تبریزی، رضا. (۱۳۹۵). *تاریخ عراق (سلطان‌آباد عراق، اراک)*. (محمد مددی، بازخواننده). تهران: آیندگان.

## مقاله

- جبرائلی، مهدی؛ مفتخری، حسین؛ سلیمانی مهرنجانلی، محمد. (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان‌آباد عراق (۱۳۲۴ تا ۱۳۶۰ق/۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱م)». فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، سال دهم، شماره ۲، (پیاپی ۳۸)، صص ۸۱-۹۹.
- متولی، عبدالله. (۱۳۸۶). «خاطرات احسان‌الله‌خان دوستدار». فصل‌نامه مطالعات تاریخی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۸۱-۱۰.



## روزنامه

- روزنامه **جنگل**، شماره ۳، (۱۳۳۶).  
روزنامه **خاور**، شماره ۳، (۱۳۳۸).  
روزنامه **خاور**، شماره ۳۵، (۱۳۳۴).  
روزنامه **عصر جدید**، شماره ۱۹، (۱۳۳۴).

## English Translation of References

### Documents

#### Archival documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

Document numbers: 3/198/29/7; 3/198/29/8; 4/43/22/3; 4/43/22/15; 4/44/22/66; 4/44/22/89; 4/166/22/45; 178/5243.[Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

Document numbers: 210/1084; 240/1084; 240/3871; 240/5748; 240/9895; 240/10512; 240/47067; 290/1405; 290/2426; 291/1121; 296/18627.[Persian]

### Books

*“Asnād-e jang-e avval-e jahāni dar Irān”* (Documents of the First World War in Iran). (1370/1991). Edited by Behrouz Ghotbi. Tehran: Enteshārāt-e Vezārat-e Eršād (Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications).[Persian]

Dehgan, Ebrahim. (1371/1992). *“Tārix-e Arāk”* (The history of Arak city) (vol.3). Arāk: Farhang-e Šahrestān-e Arāk.[Persian]

Dowlatabadi, Yahya. (1362/1983). *“Hayāt-e Yahyā”* (Yahya's life) (vol. 1). Tehran: Atar. [Persian]

Keykhosro, Arbab. (1382/2003). *“Ketāb-e xāterāt-e arbāb Keyxosrow Šāhrox”* (The memoirs of Keikhosrow Shahrokh). Edited by Shahrokh Shahrokh, & Rashna W-riter. Translated by Gholam Hossein Mirza Saleh. Tehran: Našr-e Māziār.[Persian]

Lambton, Ann Katharine Swynford. (1362/1983). *“Mālekvazāre’ dar Irān”* (Landlord



- and peasant in Persia: A study of land tenure and land revenue administration).  
Translated by Manouchehr Amiri. Tehran: Enteshārāt-e 'ElmivaFarhangi (Elmi-Farhangi Publishing Co.). [Persian]
- Majd, Mohammad Gholi. (1387/2008). "Qahti-ye bozorg 1296-1298 SH / 1917-1919"  
(The great famine genocide in Iran: 1917-1919). Translated by Mohammad Karimi. Tehran: Mo'assese-ye Motāle'ātvaPažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- "Majmou'e-ye mosavvabāt-e advār-e avval va dovvom-e qānun-gozāri-ye Majles-e Šorā-ye Melli: Mozākerāt-e Majles-e Šorā-ye Melli"** (Collection of approvals of the first and second legislative periods of the National Consultative Assembly: Negotiations of the National Consultative Assembly), (1329 AH/1911) (2<sup>nd</sup> term). (1318/1939). Tehran: Majles-e Šorā-ye Melli (National Consultative Assembly), Edāre-ye Qavānin va Matbu'āāt. [Persian]
- Miroshnikov, Lev Ivanovich. (1357/1978). "Irān dar jang-e jahāni-ye avval" (Iran in World War I; lectures read at Harvard University in November 1962). Translated by Ali Dokhaniati. Tehran: Farzāneh.[Persian]
- Moberly, Frederick James. (1369/1990). **"Amaliāt dar Irān"** (Operations in Persia, 1914-1919). Translated by Kaveh Bayat. Tehran: Našr-e Rasā. [Persian]
- Mohtat, Mohammad Reza. (1372/1993). "Simā-ye Arāk" (The face of Arak City: A sociology) (vol. 4). Arak: Self-published.[Persian]
- Mokhtari, Habibollah. (1326/1947). "Tārix-e bidāri-ye Irān" (The history of Iran Awakening). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Salour, Ghahreman Mirza. (1374/1995). **"Ruznāme-ye xāterāt-e 'Eynossaltaneh"** (The daily memoirs of Eyn Al-Saltaneh) (vol. 2). Edited by Masoud Salour & IrajAfshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Sepehr, Ahmad Ali. (1362/1983). **"Irān dar jang-e bozorg 1914-1918"** (Iran in the big World War 1914-1918). Tehran: Adib. [Persian]
- VakiliTabatabaeiTabrizi, Reza. (1395/2016). "Tārix-e 'Arāq: Soltānābād-e 'Arāq, Arāk". Reviewed by Mohammad Madadi. Tehran: Āyandegān.[Persian]
- ZandiHaghighi, Manouchehr. (1348/1969). "Nazarie-hā-ye eqtesādi dar qarn-e bistom"



(Les theories économiques duXXe siècle) [20<sup>th</sup> century economic theories] (vol. 1). Tehran: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran Press) (UTP). [Persian]

#### Articles

Jiryaei, Mahdi; Moftakhari, Hossein; & SoleimaniMehranjani, Mohammad. (1397/2018). "Barresi vatahlil-e tejārat-e dāxelivaxāreji-ye Soltānābād-e 'Arāq: 1324 tā 1320 AH / 1906 tā 1941 AD" (Analysis of Domestic and foreign trade of Sultan Abad in Iraq (Arak) (1324 AH /1906 AD -1360 AH /1941 AD)). *Fasl-nāme-ye Pažuheš-hā-ye Tārixi* (Journal of Historical Researches), new volume, 10(2), series number 38, pp. 81-99.[Persian]

Motevalli, Abdollah. (1386/2007). "Xāterāt-e EhsānollāhXān-e Dust-dār" (Memoirs of Ehsanollah Khan Doustdar). *Fasl-nāme-ye Motāle'āt-e Tārixi*, 4(16), pp. 10-81. [Persian]

#### Newspapers

Ruznāme-ye *Jangal* (Jangal Magazine), issue number 3, (1336/1957).[Persian]

Ruznāme-ye *Xāvar* (KhavarNewspaper), issue number 3, (1338/1959).[Persian]

Ruznāme-ye *Xāvar*(KhavarNewspaper), issue number 35, (1334/1955).[Persian]

Ruznāme-ye *Asr-e Jadid* (Asr-e Jadid Newspaper), issue number 19, (1334/1955). [Persian]

